

## نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری فرزندان از دیدگاه

### اسلام

رابعه خالقی<sup>۱</sup>

شفیقه رأفت<sup>۲</sup>

### چکیده

این مقاله سعی دارد تا روشن سازد که «خانواده» بیشترین و بهترین تأثیرگذاری در مسئولیت‌پذیری فرزندان را دارد. ضرورت و اهمیت این مسئله در اینجاست که «خانواده» یکی از ارکان اساسی جامعه اسلامی می‌باشد. شکل‌گیری شخصیت و پرورش فرزندان تماماً در کانون خانواده صورت می‌گیرد. از نظر اسلام «شقاوت» و «سعادت» فرزند نیز بستگی به خانواده دارد. از سویی غرب، ارزش‌های اسلامی را هدف قرار داده و رفتارها و عقاید خویش را در جامعه‌های اسلامی وارد می‌سازد و مسلماً جوانان که تأثیرپذیری بیشتری دارند بیشتر آسیب می‌بینند. مسئولیت‌پذیری برخاسته از نیاز انسان است و انسان جز رسیدن به کمال مطلق هدفی ندارد و رسیدن به پروردگار جز از راه عبودیت که انجام عبادت و عمل صالح است، صورت نمی‌گیرد. غرض از عبادت هم معرفت است. انسان هر قدر مسئولیت‌های خویش را انجام دهد، همان قدر به رشد و تکامل خواهد رسید. اما خانواده‌ها از نظر اسلام تعیین‌کننده شقاوت و سعادت فرزندان می‌باشند. از آنجایی که خداوند در قرآن دستور داده تا «خانواده» هدایتگر فرزندان باشند، در این صورت واجب می‌شود تا واجبات و محرمات و مقدمات پذیرش آن‌ها را فراهم کنند. خداوند، فرزند را پاک آفریده است و از سویی والدین را آموزگارانی قرار داده که جز خیر فرزندان چیز دیگری نمی‌خواهند و این اقتضا دارد تا والدین راهکارهای تربیتی را اعمال نمایند و با حمایت‌گری‌ها و مراقبت‌ها و آموزش‌های خود فرزندان را عادل و عاقل بارآورند، در نتیجه فرزندان مسئولیت‌پذیر و هم‌توانی بر انجام مسئولیت‌ها بار خواهند آمد. این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: خانواده، مسئولیت‌پذیری، عبودیت.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه خراسان.

۲. طلبه دکتری رشته تفسیر تطبیقی جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه خراسان.

## مقدمه

«خانواده» در اسلام بهترین بناست. بنایی که دژ محکم تقوا و رشد و تربیت فرزندان می‌باشد و تضمین‌کننده رشد تک‌تک افراد جامعه اسلامی است. جامعه اسلامی زمانی می‌تواند پویا و قدرتمند باشد که خانواده‌ها نقش خود را در مسئولیت‌پذیری فرزندان که امری مهم در استحکام و رشد و پویایی جامعه است، بشناسند و آن را درست انجام بدهند. خداوند در قرآن، والدین را مسئول هدایت فرزندان مورد خطاب قرار داده، لذا هدایت نیاز به تربیت دارد و از سوی دیگر روش‌های تربیتی نیز از سوی معصومین علیهم‌السلام به مردم ابلاغ شده است.

«مسئولیت‌پذیری»، ریشه در «عشق» و «عقلانیت» دارد و خانواده با داشتن این دو مؤلفه مورد تعظیم و تسلیم فرزندانشان می‌باشند، چه اینکه فرزندان هنگامی که رفتارها و گفتارهای والدین خود را معقولانه ببینند، سفارشات و توصیه‌های آنان را نیز می‌پذیرند. گویی که فرزند عاقلانه‌ها را می‌فهمد و بادل و جان می‌پذیرد.

خانواده هنگامی عقلانیت را پیشه خود خواهد ساخت که با «وحي» در ارتباط باشد، وحي‌یی که معصومین علیهم‌السلام به تمام آن‌ها آشنایند. پس باید از اهمیت خانواده و جزئیات آن اطلاع پیدا کرد و نیز از هدف انسان‌ها که چه هدفی را پیشه خود بسازند تا رضایت خداوند را جلب سازند؛ سؤال اینجاست که جلب رضایت پروردگار چه فایده‌ای دارد؟ و نیز فرمان‌هایی که درباره خانواده و تربیت فرزندان از سوی معصومین علیهم‌السلام رسیده چیست و چگونه باید آن‌ها را اجرا کرد؟

در مورد نقش خانواده‌ها در پذیرش مسئولیت فرزندان مقالات و کتاب‌های فراوانی به رشته تحریر در آمده است، لذا این موضوع به دلیل اهمیتی که در اجتماع دارد هنوز هم جای کار زیادی را ایجاب می‌کند.

### ۱. خانواده با نگاه روان‌شناختی

در علم روانشناسی بحثی در مورد خانواده صورت گرفته است که می‌گوید افراد تشکیل‌دهنده یک خانواده بر روی همدیگر تأثیر و تأثر دارند؛ خانواده نخستین و مهم‌ترین واحد زیستی در جامعه است و فضای عاطفی، کیفیت الگوهای ارتباطی

و ارزش‌های اساسی حاکم در خانواده بر نحوه شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و ویژگی‌های روانی رفتاری اعضای آن تأثیرات ژرف و پایدار دارد. (معاونت پژوهش، گروه روانشناسی، ۱۳۸۶: ۱/۲۲۴)

گفته شده است که: «خانواده گروهی است که مردم قوی‌ترین عشق‌ها و نفرت‌های خود را در آن می‌آزمایند، از بیشترین خشنودی و رضایت خاطر بهره‌مند می‌شوند و سرخوردگی‌های خود را تجربه می‌کنند.» (همان: ۲۲۵)

همچنین گفته‌اند «خانواده» جایی است که نیازهای انسان تأمین می‌شود. شهید مطهری رحمته‌الله معتقد است: «که اگر نیازها و میل‌ها و انگیزه‌های انسان به خوبی و درستی شناخته و ارضاء شوند، سلامت و تعالی و کمال را به وجود می‌آورند.» (مرویان حسینی، ۱۳۸۲: ۲۲۹)

نیازهای اولیه انسان‌ها «عشق» و «محبت» است که از بدو تولد شکل می‌گیرد؛ انسان نیاز دارد تا او را دوست بدارند و همین دوست داشتن به نوعی امنیت او را تأمین می‌کند. هنگامی که نوزاد یا کودک حس کند که او را دوست می‌دارند و این احساس از طرق مختلفی مثل حمایت‌های عاطفی و اقتصادی صورت می‌گیرد، او احساس آرامش و امنیت خاطر خواهد کرد.

یکی از دانشمندان به نام «هورنای»، امنیت را شرط اساسی زندگی می‌داند و معتقد است که والدین از طریق عدم ابراز محبت نسبت به کودک، تبعیض قائل شدن، رفتار غیر معقول، استهزا کردن و تحقیر کردن، «امنیت کودکان» را به خطر می‌اندازند و آن‌ها را در بزرگسالی با مشکل رفتاری مواجه می‌سازند. (ابراهیمی نژاد، ۱۳۸۶: ۴۵۸)

## ۲. خانواده با نگاه جامعه‌شناختی

در جامعه‌شناسی چندین رویکرد نظری وجود دارد؛ مثل نظریه «کارکردگرایی»، نظریه «کنش متقابل نمادین»، نظریه «ستیز اجتماعی» و نظریه «فمینیستی» که هر کدام از زاویه خاصی به تحلیل جامعه پرداخته‌اند؛ اما نظریه «کارکردگرایی» از

رایج‌ترین رویکردهای نظری در مطالعات خانواده به شمار می‌رود. (بستان، ۱۳۹۰: ۱۱۹)

## ۲.۱. کارکردگرایی

در این رویکرد، مفروض آن است که جامعه همچون ارگانیکمی است که می‌کوشد در برابر تغییر مقاومت کند و خودش را در حالت تعادل و توازن نگه دارد. مفهوم «کارکرد» نیز به فعالیت‌های ضروری برای حفظ انواع جامعه یا گروه اجتماعی مانند تولیدمثل، تولید اقتصادی، تعلیم و تربیت و... ناظر است. (همان: ۱۱۹)

از منظر این دیدگاه، اگر خانواده‌ها در انجام کارکردهای خود ناتوان باشند، جامعه نیز به نظم اجتماعی مطلوب نخواهد رسید. به عبارت دیگر، خانواده باعث می‌شود تا نوعی ارتباط منطقی بین تعاملات سطح خرد با سطح کلان اجتماعی برقرار شود و این نوع ارتباط، خدمت به برقراری نظم اجتماعی در جامعه است و امنیت را برای افراد و جامعه به ارمغان می‌آورد و درنهایت منافع جمعی را تأمین می‌کند. (مک کارتی، ۱۳۹۰: ۶۳۳ و ۶۳۷)

## ۲.۲. کارکردهای خانواده

خانواده در جامعه‌شناسی به عنوان یک «نهاد» مطرح است. «نهاد»، مجموعه‌ای سازمان‌یافته و بادوام از روش‌ها، مقررات و سیاست‌هایی است که مردم جامعه را قادر می‌سازد تا یک یا چند نیاز اساسی همگانی را برآورده کنند، نهادها چارچوب نسبتاً پایداری را تشکیل می‌دهند که فرهنگ و ساختار اجتماعی در درون آن عمل می‌کنند. نظام‌های سازمان‌یافته اقتصاد، سیاست و علم و همچنین نهادهای خانواده، دین و آموزش و پرورش نمونه‌هایی از نهادهای اجتماعی‌اند.

## ۲.۲.۱. کارکردهای زیستی، اجتماعی خانواده

کارکردهای زیستی و آنچه مربوط به بقای نوع بشر است، مثل تنظیم رفتار جنسی در کانون خانواده انجام می‌شود، زیرا انسان همواره از راه ازدواج به روابط جنسی خود نظم و قاعده بخشیده و از هرج و مرج جنسی جلوگیری کرده است. بر این

اساس، جامعه‌شناسان تنظیم رفتار جنسی را یکی از کارکردهای اساسی خانواده قلمداد کرده‌اند. همچنین تولید مثل یکی دیگر از کارکردهای اساساً زیست‌شناختی خانواده است که همواره بقای جوامع و به طور کلی بقای نسل بشر را تضمین کرده است و نیز بهترین تکیه‌گاه ناتوانی و عجز انسان در سال‌های اول حیاتش و در سال‌های آخر و در کهن‌سالی یا در اثر نقص عضو و...، خانواده است، زیرا مسئولیت قانونی و اخلاقی ایفای این مهم در طول تاریخ بر عهده خانواده‌ها بوده است (ر.ک: بستان، ۱۳۹۰: ۱۰۱، ۱۰۴ و ۱۰۹)

### ۲.۲.۲. کارکردهای حمایتی خانواده

حمایت اقتصادی و حمایت عاطفی خانواده دو نیاز اساسی فرد از سویی روانی و از سویی اجتماعی است. انسان‌ها در درون خانواده خارج از قالب‌های رسمی زندگی اجتماعی و اقتصادی یا خشک و رسمی حقوقی از حیث عاطفی به نیازهای هم پاسخ می‌دهند. (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۲۴) همچنین حمایت اقتصادی خانواده بر اثر دل‌بستگی‌ها و مسئولیت‌هایی که اعضای خانواده نسبت به هم احساس می‌کنند، صورت می‌گیرد. حمایت اقتصادی نوعی رفتار محبت‌آمیز و مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به هم است. تأمین زندگی توسط پدر و مادر باعث می‌شود تا سرمایه به‌جا و عادلانه مصرف شود، زیرا با رعایت کردن جایگاه مصرف پول، آن را به‌جا و مطابق با نیاز خانواده تنظیم و مصرف شود.

خانواده باتربیت درست و آشنا کردن کودکان با جامعه (آشنایی و ارتباطی بر مبنای درست) و نیز عقایدی که به آن ارزش می‌دهند، زمینه جامعه‌پذیری فرزندان و در نتیجه مسئولیت‌پذیری آنان را فراهم می‌آورند. (ر.ک: سلیمی، ۱۳۸۰: ۶۵۹ و ۶۸۵)

### ۳.۲. مسئولیت‌پذیری

«مسئولیت» در لغت به معنای وظیفه و ضرورت پاسخگو بودن است.

«مسئول بودن»: موظف بودن به انجام کاری. (دهخدا، ۱۳۳۷/۱۳: ۲۰۹۰۷) و در اصطلاح وقتی از کسی می‌خواهید که مسئولیتی را بپذیرد، باید برای او کاملاً

مشخص شود که موضوع درخواست چیست و در برابر به عهده گرفتن آنچه چیزی به دست می‌آورد. مسئولیت انتخابی آگاهانه است؛ درست مثل قراردادی نانوشته که تمام اجزای آن، برای طرفین مشخص است. (رفعتیان، ۱۳۸۵: ۱۱)

باید گفت «وظیفه» نیز جزء مسئولیت است، زیرا انسان با عقل خود درک می‌کند که اگر آن را انجام ندهد، ضرر خواهد دید، پس عقل و توانایی همان آگاهی و دارایی او می‌باشند. اگر چنین نمی‌بود انسان مانند جوانه گندمی می‌ماند که همه چیز در اختیارش برای رشد کردن است و اگر او امتناع ورزد، هدر رفتن و نابود شدن است، چرا که او شعور و اختیار نیز ندارد تا راه دوم یعنی رشد نکردن را انتخاب کند.

#### ۴.۲. مبانی و شرایط پذیرش مسئولیت

انسان چون اختیار، عقل، توانایی و استعداد و فطرت خداجویی را دارد، بدین سبب مسئولیت را می‌تواند بپذیرد، یعنی می‌تواند مورد پرسش و پاسخ قرار گیرد که با استفاده از این امکانات و این اسبابی که در اختیار او قرار می‌گیرد، چرا از آن استفاده نکرده است و اگر استفاده کرده، چرا کوتاهی و کم‌کاری کرده است.

در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؛ که گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند. (اسراء: ۳۶)

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «لا تزول قدم ابن آدم يوم القيامة عند ربّه حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيم افنا و عن شبابه فيم ابلاه و ماله من اين اكتسبه و فيم انفقهُ و ماذا عملَ فيما علم»م (ابو عیسی ترمذی، ??? : ۴/ ۳۵)

آدمی، در روز قیامت، در پیشگاه خداوند قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر آنکه درباره پنج چیز از او پرسش می‌شود؛ از عمرش که در چه راهی سپری کرده و از جوانی‌اش که در چه راهی صرف نموده و از دارایی‌اش که چگونه به دست آورده و چگونه خرج کرده و از اینکه به دانسته‌هایش چگونه عمل کرده است.

خداوند به خاطر اینکه انسان توانایی‌هایی داشته و در اختیار او بوده، از او پرسش خواهد کرد و توانایی ریشه‌اش، اختیار، عقل، فطرت و علم و آگاهی است؛ بنابراین ریشه‌های مسئولیت همین‌ها هستند.

## ۱. فطرت

فطرت یکی از ریشه‌های پذیرش مسئولیت است که انسان را قادر می‌سازد و او را به سوی پذیرش و قبول مسئولیت سوق می‌دهد. (مظلومی، ۱۳۷۷: ۴۶)

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند! (روم: ۳۰)

بنابراین فطرت انسان و معرفت و توجه و علاقه‌ای که به کمال مطلق دارد و نیز از بدی‌ها بیزار است، به انسان توانایی می‌بخشد تا مسئولیت را بپذیرد و به سوی رشد و کمال برود.

## ۲. اختیار

یکی دیگر از ریشه‌های پذیرش مسئولیت، «اختیار» و «آزادی» انسان است، زیرا پذیرش به معنای قبول و انتخاب مسئولیت است. پس او باید در اختیار و انتخاب مسئولیت آزادی داشته باشد. انسان اگر احساس اختیار نکند، دیگر فکر و تأمل معنایی نخواهد داشت، زیرا او با اختیار، عملی را انتخاب می‌کند که درباره‌اش فکر و تأمل کرده باشد، نه اینکه او به مانند سنگی که به اقتضای طبیعت از این سو به آن سو می‌رود، مجبور باشد. (ر.ک: امینی، ۱۳۸۷: ۱/۴۵)

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً﴾؛ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزماییم (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم! ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (انسان: ۳-۲)

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است: «عن إبراهيم بن أبي محمود، عن أبي الحسن الرضا علیه السلام، قال: سألته عن الله تعالى: هل يجبر عباده على المعاصي؟ فقال: بل يخيّرهم ويمهلهم حتى يتوبوا». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/۵)

ابراهیم در حدیثی می‌گوید: از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم که آیا خدای متعال بندگانش را به معصیت مجبور می‌کند؟ فرمود: نه، بلکه آن‌ها را مخیر می‌کند و مهلت می‌دهد تا توبه کنند.

بنابراین می‌توان گفت اسباب آزادی و گمراه نشدن، علم و آگاهی و عاقل بودن است. با این حال، معنای اختیار و آزادی انسان این است که فاعلی دارای دو نوع گرایش متضاد باشد و یکی را بر دیگری ترجیح دهد. (کاردان، ۱۳۷۲: ۱/۴۸۵) زیرا در این صورت است که او را انتخاب و گزینش می‌کند و این اختیار، ملاک تکلیف و پاداش و کیفر به شمار می‌رود.

## ۲.۵. آسیب‌های مبنی بر عدم پذیرش مسئولیت

از نظر قرآن نپذیرفتن تکلیف و ندادن حق دیگران به آن‌ها ظلمی به نفس خود انسان است. در سوره طلاق، می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾؛ و هر کس از حدّ و مرزهای خدا تجاوز کند حَقّاً که بر خویش ستم کرده است. (طلاق: ۱)

مسئولیت وظیفه‌ای که بر عهده انسان گذاشته، باعث پیشرفت و رشد او می‌شود، اما اگر از آن پیروی نکرد درحالی‌که می‌داند حق هست، برای او ظلمت و تاریکی می‌آورد. ظلمت و تاریکی هر چه بیشتر انباشته شود، انسان قدرت دید خویش را که همان تعقل است از دست خواهد داد و جای نور را تاریکی خواهد گرفت. این باعث می‌شود تا او نتواند مسیر تکامل خویش را ببیند و به رشد و تعالی برسد.

## ۲.۵.۱. انحطاط و از بین رفتن جوامع

مسئولیت در قبال جامعه بسیار اهمیت دارد. مخصوصاً برای کسانی که از قدرت اجتماعی خوبی همچون علما و سیاسیون برخوردارند. انجام ندادن مسئولیت‌ها از سوی مسئولین باعث هرج و مرج و یا انحطاط جامعه دینی و پویا خواهد شد.

## ۲.۵.۲. بازماندن از قرب الهی

پذیرش مسئولیت و انجام آن در مکتب الهی، عبارت است از اینکه شخص آن را با جان و دل قبول کند و آن را انجام دهد. این در حالی است که تکرار انجام تکلیف



در فرد صفت را می‌سازد و همین تکرارهای مخلصانه درجات بالای ایمان را خواهد ساخت. انسان برای حرکت و تربیتش نیاز به عشق بزرگ‌تری دارد.

قرآن می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾؛ اما آن‌ها که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهایشان،) شدیدتر است. (بقره: ۱۷۵) آن‌ها که به سوی حق گرویده‌اند و به سوی الله آمده‌اند، از عشق، از محبت شدیدتری نسبت به حق برخوردارند. (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۱/۶۶)

امام خمینی علیه السلام با انجام تکالیف و مسئولیت‌هایی که به خاطر فهم و درکشان بر دوششان بود و آن‌ها را با جان و دل قبول کردند و بسیار به خوبی انجامشان دادند، در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود می‌نویسند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم». (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۷۳)

بنابراین نپذیرفتن و در نتیجه انجام ندادن مسئولیت‌ها مساوی با بازماندن از قرب الهی است.

### ۳. نقش خانواده در مسئولیت‌پذیری فرزندان

نقش خانواده در اینکه فرزند بتواند به اهمیتش پی ببرد چیست؟ و خانواده چگونه می‌تواند اهمیت فرزندش را به او بشناساند و او را مسئولیت‌پذیر بار آورد؟ از خانواده انتظار می‌رود که در قبال فرزندانشان یک سری از تأثیرات و رفتارهایی را که مورد قبول است، داشته باشند.

در آیه ۲۴ سوره اسراء، به عبارت ﴿كَمَا رِيَّانِي﴾؛ همان‌طور که مرا تربیت کردند. (اسراء: ۲۴)، توجه داده شده و نیز قرآن در سوره تحریم آیه ۶ فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید. (تحریم: ۶) یعنی همچنان که به فکر خویش هستید، خانواده خویش را نیز تدبیر کنید.

از این دو آیه نتیجه می‌شود که خانواده، از سوی خداوند مربی و پرورش‌دهنده و هدایت‌کننده آنان به راه راست است، تا فرزند بتواند راه راست و درست را بیابد و در آن قدم بگذارد.

بر اساس این آیه، همه مکلفان و از جمله پدران و مادران، نسبت به خانواده خویش که فرزندان قدر متقین آن هستند، وظیفه حفاظتی و صیانتی دارند که در همه عرصه‌های تربیتی مصداق دارد و از آنجا که عبارت «قوا» صیغه امر است، بر وجوب این وظیفه دلالت دارد؛ به این معنا که «وقایه از آتش» بر والدین واجب است. (اعرافی، ۱۳۹۲: ۵۹)

هنگامی که انسان زیر بار مسئولیت‌های الهی به خاطر اینکه خداوند فرمان داده است، برود آن‌گاه است که مسئولیت‌های دیگر نیز در راستای آن‌ها قرار می‌گیرند و خداوند در قوانین خود همه منفعت‌ها چه نیاز شخصی و چه نیاز اجتماعی را قرار داده است.

### ۳.۱. تربیت

واژه تربیت از ریشه «رب» است و در اصل به مفهوم تربیت بوده و آن شامل پرورش یک شیء از موقعیتی به موقعیت دیگر است تا به حد تمامیت خود برسد. (عرسان کیلانی، ۱۳۸۹: ۸۱)

در کوتاه‌ترین عبارت، «تربیت» عبارت از پروراندن و شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعدادها در نیل به اعتلا و تکامل اخلاقی است. (ابراهیمیان آملی، ۱۳۷۸: ۲۱/۱)

پیامبر ﷺ فرمودند: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِصَّةِ»؛ انسان‌ها به معادن طلا و نقره می‌مانند. (استرآبادی، ۱۴۳۰ق: ۸۹) بات ربیت درست، اصلیت انسان کشف و رو می‌شود، اما کلمه «رب» به طور مطلق برای خداوند به کار می‌رود به جهت اینکه او متکفل امور عالم و او به مصلحت موجودات آگاه است.

### ۳.۲. هدف تربیت

هدف تربیت نیل به قرب الهی در پرتو ایمان و عمل صالح است.

سؤال: فرجام حرکت آدمی به سوی خالق چیست؟ پاسخی که بر اساس آموزه‌های اسلام می‌توان ارائه نمود، خدا گونگی و یا تشابه با اله است. (شرفی، ۱۳۷۸: ۳۴) زیرا در حدیث قدسی چنین آمده است «عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی او مثلی؛ بنده من، مرا عبادت کن تا تو را همانند خودم گردانم». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۲/۱۶۶) در بیانات برخی از حکمای مسلمان نظیر صدرالمتألهین نیز در تبیین غایت آموزش حکمت آمده است: «یحصل التشبه بالباری تعالی» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۱)

خداوند در مورد انسان می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛ من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند). (ذاریات: ۵۶)

قرآن می‌خواهد انسان را بسازد و می‌خواهد به او هدف و آرمان بدهد، هدف و آرمانی که اسلام می‌خواهد بدهد فقط خداست و بس. (مطهری، ۱۳۶۳: ۷۶) در واقع هدف تربیت، خلیفة‌اللهی است.

هدف از خلقت، عبادت است؛ ﴿نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾؛ ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم. (بقره: ۳۰)

در معنای حمد آورده‌اند که هم به معنای شکر است که در مقابل نعمت صورت می‌گیرد و هم تعریف که مدح است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/ ۱۷۲) بنابراین، «حمد»، ادای حق نعمت هم به صورت عملی است و هم به صورت زبانی. در روز قیامت خداوند از نعمت‌ها سؤال خواهد کرد.

و معنای «سبحان‌الله» با استفاده از آیه ﴿وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾؛ و منزّه است خدا و من از مشرکین نیستم. (یوسف: ۱۰۸) یعنی پاک دانستن و پاک بودن خدا از شریک؛ و نیز به معنای برائت یعنی دوری جستن آمده است.

و نیز در معنای قدوس آمده است:

نمی‌آید در صفت خداوند غیر از قدوس و آن پاک و منزّه بودن هر یک از صفات خداوند از عیب‌ها و نقص‌هاست. درباره «نقدّس لک» آمده است:

یعنی پاک می‌کنیم و طاهر می‌کنیم نفس خود را برای تو. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۶/۱۶۷)

انسان هر چقدر به معرفت الهی و شناخت خداوند دست یابد همانقدر مهر او نسبت به خدا زیاد شده و کم‌کم شبیه به خداوند خواهد شد، چرا که او کمال‌خواه است و استعداد آن را دارد. این معرفت در پی عمل عبودیت پروردگار فراهم می‌شود و هر اندازه که معرفت بیشتر شود نسبت به پروردگار نزدیک‌تر شده و بدی‌ها و ظلمت‌ها جای خود را به عقلانیت و نورانیت می‌دهند.

«عبد» هنگامی می‌تواند تسلیم باشد، که خود را شناخته باشد، یعنی به ارزشش پی برده باشد و خود را آلوده به هر گناهی نسازد و اگر آلوده به گناهی است درصدد پاک‌اش باشد. نگاه دیگری که برای عبد لازم است آن است که در برابر پروردگارش متواضع باشد و او را گرمی دارد. در واقع ادب داشته باشد؛ و این هنگامی می‌شود که خدایش را بشناسد و به او نزدیک شود.

#### ۴. روش‌های تربیت در اسلام

روش‌های تربیت فرزند در اسلام به روش‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. از سویی بر والدین واجب است عبادات و مناسک واجب عبادات را به فرزندان خود آموزش دهند و در تربیت عبادی آنان کوشا باشند. (اعرافی، ۱۳۹۲: ۶۱) اینجاست که مقدمات واجب که باعث پذیرش واجبات می‌شود، هم واجب خواهد بود، هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم.

روش تربیتی غیرمستقیم بیشتر به صورت رفتاری و عملی است که این روش اثرگذاری زیادی دارد؛ و روش تربیتی مستقیم به معنای اینکه بیشتر به‌صورت آموزشی است.

#### ۴.۱. روش‌های تربیتی غیرمستقیم

أ) الگو؛ الگو بودن خود والدین و معرفی الگوها به فرزندان و ارتباط با آنها.

از فواید الگوها، آموزش سریع مسائل و انتقال مفاهیم و معرفی مصداق‌ها به‌گونه‌ای مستند و قابل‌فهم است. (شکوهی یکتا، بی‌تا: ۱۱۰)

کودکان در سرآغاز زندگی همچون آینه‌ای هستند که در برابر اشخاص، پدیده‌ها، موجودات و حتی اشیاء قرار می‌گیرند، بی‌شک هر آنچه را که در رو به روی خود ببینند، منعکس می‌سازند. بعدها در سایه رشد و فکر و عقل و یافتن تجارب برای خود، حق انتخاب پیدا می‌کنند.

بر این اساس نقش الگوها برای تمامی افراد فوق‌العاده مهم و حیاتی است. بی‌شک رفتار والدین و نیز دیگر اعضای خانواده برای فرزند الگو می‌باشد.

#### ۲.۴. تأمین نیازهای فرزند

اسلام برای تربیت انسان از هر جهت برنامه دارد، زیرا انسان دارای سه بُعد جسمی، عقلی و قلبی است و برای پرورش و تربیت آن‌ها دستورالعمل‌هایی دارد. البته مربی باید دقت داشته باشد که در مورد اجرای فرمان‌ها اعتدال را حفظ کرده و از افراط و تفریط جلوگیری کند، زیرا افراط و تفریط باعث ضایع شدن ثمر خواهد شد. اینجاست که والدین باید حق فرزند خویش را بشناسند و همشان این باشد که حقوق آنان را درست و کامل ادا کنند.

#### ۳.۴. محبت به فرزند

نیاز به محبت یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودک است. لازم است خانواده به ویژه والدین، به این نیاز کودک توجه خاصی داشته باشند و بدانند پاسخگویی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد، زیرا ارضای این نیاز کودک، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او می‌شود و ارضا نشدن آن باعث فروپاشی آرامش روحی و روانی، بی‌اعتقادی به خود و دیگران و احساس عجز و حقارت، بیماری‌های جسمی و روانی متعدد و انحرافات اجتماعی بسیاری خواهد شد. (حسین زاده، ۱۳۸۶: ۱/۸۲)

معصومین علیهم‌السلام همواره فرزندان‌شان را مورد محبت قرار می‌دادند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۵۹ و نیز مردم را به آن سفارش می‌کردند. (نوری، بی‌تا: ۱۵/۱۷۰) امامان معصومین علیهم‌السلام با روش‌هایی چون بوسیدن و بازی کردن با کودکان به طوری

که به کودکان سواری می‌دادند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۳ / ۲۸۵)، دیگر اینکه به کودکان هدیه می‌دادند (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۸ / ۲۳۸)، و از طرق مختلف، محبتشان را نسبت به آن‌ها ابراز می‌داشتند.

#### ۴.۴. رعایت مساوات و پرهیز از تبعیض

در روایات معصومین علیهم‌السلام راجع به مساوات و تفاوت نگذاشتن بین فرزندان در حالاتی چون هدیه دادن و محبت کردن بسیار آمده است. نیز رعایت نکردن مساوات بین آن‌ها را با عاقبت عاق والدین یا عاق والدین توسط فرزندان هشدار داده‌اند، اما چیزی که باید مدنظر داشت این است که اگر فرزندی موفق‌تر و در بعضی از امور از دیگری برتری داشته باشد، آیا نباید بین آن‌ها فرق گذاشت و برای اینکه او بتواند دل‌گرم شود و رشد بیابد نباید او را تشویق کرد؟ جواب این است که البته باید مورد تشویق قرار بگیرد، اما باید در محبت مساوات را رعایت کرد و این جایی است که هنوز فرزندان نمی‌توانند این معانی یعنی حسادت و... را بفهمند تا باعث برانگیختن حسادت بین آن‌ها نشود.

#### ۴.۵. روش‌های تربیتی مستقیم

رفتارهای غیرمستقیم خانواده می‌تواند راه و روش فرزند را مشخص کند و به او آموزش می‌دهد، اما هنگامی این آموزش‌های غیرمستقیم بهتر تثبیت می‌شود که به‌طور مستقیم به او آموزش داده شده و بیان شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «العلم فی الصغر کالمنقش فی الحجر؛ آموختن در کودکی مانند کنده‌کاری بر سنگ، ماندگار است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱ / ۲۲۴).

همچنین امام علیه‌السلام نیز در مورد فرزند خویش امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: «فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يُقَسَّوْ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلَ لُبُّكَ؛ پس به ادب آموختنت پرداختم، پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۷: ۷۰)

مطلبی که باید به آن اشاره شود آموزش‌هایی است که قبل از هفت‌سالگی به کودک داده می‌شود. این آموزش‌ها باید طوری باشد که او احساس خستگی نکند؛ البته آموزشی مد نظر است که هدف از آن خداشناسی و عبودیت است. آموزشی که

قلب و ذهن کودک را روشن کند تا دل او به سوی خداوند تمایل پیدا کرده و انس بگیرد.

## ۱. قرآن

امام علی علیه السلام به فرزندشان امام حسن علیه السلام فرموده‌اند: «وَأَنْ ابْتَدِنَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ؛ اینکه نخست تو را کتاب خدا آموختم». (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۵م: ۱۶ / ۶۸)

هنگامی که امام علیه السلام در آموزش فرزندشان امام حسن علیه السلام اولین آموزش را کتاب خدا قرار می‌دهد، ما نیز وظیفه داریم تا همگام با ایشان باشیم و اولین آموزش مستقیم فرزند را کتاب خدا، قرآن قرار دهیم. البته که این مهم است که قبل از آنکه کودک به مدرسه رود به او قرآن یاد داد، زیرا آموزشی است که از نظر روحی پذیرایش می‌باشد و قرآن کتابی است که با فطرت فرزند حرف می‌زند و جذابیت خاصی دارد. قرآن روح و زبان او را برای یادگیری آماده خواهد کرد. فایده دیگری که دارد، اثرگذاری قرآن در عمق وجود انسان است از آنجایی که کلام خداوند است، در کودکی و قبل از دبستان بهتر است کودک با قرآن انس بگیرد تا اثر کلام‌الله در وجودش نفوذ کند.

## ۲. آداب

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خَيْرُ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ الْإِبْنَاءَ الْآدَابُ؛ بهترین ارثی که پدران می‌توانند به فرزندان خویش بدهند ادب است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۹۳)

«ادب» در اصطلاح به معنای هنر حسن معاشرت و اخلاق حسنه است؛ و نیز سنت‌ها و آیین‌ها، رعایت رسم و قاعده و ظرافت و زیبایی و اندازه در گفتار و کردار دانسته شده است. (رامین و دیگران، ۱۳۸۹: ۲ / ۹۵)

بنابراین ادب به معنای این است که فرزند نه تنها طبق قاعده و قانون و رعایت ظرافت‌ها به حسن معاشرت با دیگران پردازد، بلکه در همه کارها اعم از کارهای شخصی خودش و دیگران و نیز در ارتباطش با خداوند چنین باشد.

هنگامی فرزند می‌تواند با ادب باشد که درست تربیت و پرورش یافته باشد. در واقع خوبی‌ها را شناخته و آموخته باشد تا بتواند خوب حرف بزند و خوب عمل کند. کودک در مرحله شناخت، بیشتر به صورت عملی از والدین و در کانون خانواده خواهد آموخت. آن‌ها با گفتار و رفتارشان معنای خوب و قابل قبول را به کودک می‌فهمانند. نیز خوب‌ها را به او معرفی می‌کنند. چه این خوب‌ها خودش، دیگران و خداوند باشد و نیز طرز برخورد و ارتباط با آن‌ها را.

در مرحله بعد هنگامی این طرز برخوردها تثبیت خواهد شد که عملاً و نیز با زبان به او آموزش داده شود و اگر بعضی از علت‌ها هم گفته شود بر تثبیت آن‌ها کمک خواهد کرد. بهترین آداب از معصومین علیهم‌السلام است که به ما رسیده است، زیرا آن‌ها قرآن ناطق می‌باشند در نتیجه هر تصمیمی که بر اساس عقل بدون معنویت گرفته شود، به سود رشد حقیقی انسان نخواهد بود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۷۳) رویکرد عقلانی به تحقق اهداف تربیت دینی که فهم عالمانه، محققانه و عقلی مسائل دینی و در نتیجه انجام دادن رفتارهای دینی به‌گونه‌ای آگاهانه است، کمک می‌کند. (همان: ۸۶)

### ۳. احکام

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ؛ به نوجوانان و جوانان خود احادیث ما را بیاموزید پیش از آنکه مرجئه<sup>۱</sup> بر شما پیشی بگیرند و [عقاید خود را به آن‌ها القا کنند.]». (کلینی، ۱۴۶۹ق: ۴۷/۶)

خوب است قبل از اینکه فرزند به سن تکلیف برسد احکام ضروری را به او یاد داد و از او خواست تا به صورت عملی اجرا کند؛ که تمرینی برای او باشد و تا هنگامی که به سن تکلیف می‌رسد شکل‌هایش رفع شود.

۱. این گروه (مرجئه) نیت، عقیده و ایمان را اصل می‌دانند و برای عمل اهمیتی قائل نیستند.



#### ۴. اخلاق

«اخلاق» در معنای لغوی جمع «خُلُق» به معنی خوی‌ها، آمده است. سیرت و باطن را «خُلُق» می‌گویند. در اصطلاح اخلاق به معنی یک صفت نفسانی یا یک هیئت راسخه یا حالتی که در نفس انسانی رسوخ داشته باشد و موجب این بشود که افعالی که متناسب با آن صفت است بدون احتیاج به فکر کردن از انسان صادر بشود، مثل سخاوت که یک حالت نفسانی است.

#### ۵. آموزش عقاید

مهم‌ترین آموزش برای فرزندان، آموزش عقاید است، زیرا پذیرش دیگر اعمال بستگی به آن دارد.

عالم ربانی ملا احمد نراقی در کتاب «معراج السعاده» به آموزش عقاید در سنی که کودک در ابتدای تمییز و ادراک قرار دارد اشاره کرده و اضافه می‌کند که این عقاید در قلب او رسوخ کرده و او معتقد می‌شود و این از فضل خداوند است که بدون برهان و استدلال ایمان را در قلب انسان ایجاد می‌کند. ایشان ادامه می‌دهند که

این اعتقاد خالی از ضعف و وهن نیست و راه استحکام آن خواندن قرآن و تفسیر آن و خواندن احادیث و فهمیدن معانی آن‌ها و نیز مواظبت بر وظایف و عبادات و طاعات است. طوری که به سبب آنچه از ادله قرآنی و حجت‌های معصومیه گوشزد او می‌شود و به واسطه نوری که به تدریج از عبادات بر دل او می‌تابد؛ محکم می‌شود.

بدان که هرگاه نشو و نمای طفل بر این اعتقاد شود تا به حد رشد و کاردانی رسد اگر مشغول امور دنیا گردد و از تحصیل کمال و سعادت بازماند دردی دیگر بر او گشوده نمی‌شود و از این مرتبه ترقی نمی‌کند، لیکن اگر به اعتقادات بمیرد مؤمن مرده است و اگر توفیق او را مساعدت نماید و تأیید پروردگاراو را دریابد و مشغول عبادت، تقوا و محافظت نفس از هوی و هوس گردد و تحمل مجاهدات، ریاضیات و تطهیر نفس از کدورات گردد در هدایت بر او مفتوح می‌شود و حقایق عقاید بر او معلوم می‌گردد. (نراقی، ۱۳۸۷: ۹۵ و ۹۶)

بنابراین آموزش اعتقادات هم به صورت عملی در طاعات و در مطالعات، کاری است واجب تا معتقدات فرزند محکم شود و در جان و روح او نفوذ کند. این از

وظایف والدین است تا فرزندشان را ایمن از خطرات، شبهات و خطورت شیطانی گردانند.

## ۶. ولایت‌مداری

باتربیت فرزندان مطابق دستوراتی که از معصومین علیهم‌السلام رسیده است، با در نظر داشت الگو بودن والدین و فراهم آوردن محیطی سالم و نیز ادا کردن حقوق فرزندان، والدین عملاً آن‌ها را به سوی ولایت سوق داده‌اند و از طریق معصومین علیهم‌السلام است که فرزندان به شناخت و عقلانیت رسیده‌اند.

معصومین علیهم‌السلام واسطه فیض بین مردم و خداوند و در واقع بهترین الگو برای انسان‌ها می‌باشند. قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سرمشق نیکویی بود. (احزاب: ۲۱)

در قرآن آمده است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی اوامر (اوصیای پیامبر را!). (نساء: ۵۹)

از سویی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «أنا مدينة العلم وعلیٌّ بابها؛ من شهر علم هستم وعلی [علیه‌السلام] درب آن است». (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۳۳)

اطاعت بدون طریق امکان ندارد. هیچ کاری بدون روش و علم نمی‌تواند اجرا شود و خود خداوند طریق و روش را بیان فرموده است و آن اطاعت از رسول و اولی الامر است؛ یعنی «ولایت‌مداری». کسی که از سوی خداوند مشروعیت ولایت را داشته باشد، ایشان الگوهایی به تمام معنا می‌باشند و دستوراتشان، مستقیم دستور خداوند است. در این برهه از تربیت است که انسان می‌تواند بیندیشد و تصمیم بگیرد، زیرا قبلاً مقدماً باورها و رفتارهایی داشته است که حال آن‌ها را حق یافته و توسط این عقاید و رفتارها به سوی حق سوق داده شده است.

با راهنمایی‌های معصومین علیهم‌السلام و والدین و دستگیری آنان، نوجوان و جوان می‌تواند از بحران‌ها و طوفان‌هایی که رشد او را نشانه رفته است به سلامت بیرون آید؛ یعنی کار والدین تربیت و پرورش فرزند است به صورتی که فرزند فاسد نشود

و به فساد کشیده نشود. فساد ضد صلاح است و به معنی خارج شدن شیء از عدل می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۶) پس فرزند با توجه به مراقبت‌ها و مواظبت‌های والدین به عدالت سوق داده می‌شود. پس او شخصی عادل خواهد شد که عادلانه می‌اندیشد و عادلانه عمل می‌کند و از عدل طرفداری خواهد کرد. و می‌تواند صالحان را نیز خوب بشناسد در این هنگام است که فرزند می‌تواند پذیرای سخنان معصومین علیهم‌السلام باشد و به گفته‌هایشان می‌اندیشد و به فرمان‌هایشان عمل خواهد کرد. پس ایمان و عمل صالح او را به سوی معرفت و خداجویی و حقیقت سوق می‌دهد و نیز دیگرسازی از طریق کمک به دیگران تا آن‌ها نیز بتوانند به سوی خدا حرکت کنند؛ و این تسلیم همان عبودیت که هدف انسان است می‌باشد. از این طریق است که هدف خلقت یعنی خلیفه‌اللهی نیز به ثمر خواهد رسید.

### نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری به دو موهبت «عشق» و «عقلانیت» بستگی دارد، زیرا در قرآن کریم آمده است که دو گروه از مسئولیت و تسلیم به حق سرباز می‌زنند؛ گروه مستکبران و گروه ظالمان. مستکبران دچار خودبزرگ‌بینی شده و از این راه تسلیم حق نمی‌شوند و ظالمان دچار خودکم‌بینی‌اند و با گناه، خویش را ضایع کرده و از گناهکاران می‌باشند. پس هر دو کفر نعمت یعنی همان نپذیرفتن مسئولیت‌ها آن مسئولیت‌هایی که از سوی خداوند مقرر شده است، می‌کنند این‌همه مسائل با عبودیت حل خواهد شد، زیرا در عبودیت عقلانیت و توجه به زیبایی و خوبی‌ها وجود دارد. انسان با پذیرش و تسلیم در برابر پروردگار و اجرای فرمان‌های الهی پاکی خود را از ظلم و کبر به بار می‌آورد. از این طریق به پروردگار نزدیک شده و به پاکی و زیبایی او پی می‌برد یعنی معرفت کسب می‌کند. او خداوند را قادر و عالی یافته و ذلالت و حقارت خود را دریافته و تسلیم او خواهد شد.

خداوند خانواده را بر مبنای عشق و عقلانیت سرشته است و فرزند را در این کانون جای داده است. پس او فرمان‌بر و تسلیم آن‌ها می‌باشد، با توجه به اینکه فرزند پاک به دنیا می‌آید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «کل مولود یولد علی الفطرة و إنما أبواؤه یهودانه و ینصرانه یمجسانه؛ هر فرزندی بر فطرت یعنی توحید می‌باشد و این پدر و مادر او

هستند که او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی بار می آورند». (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۷)

والدین وظیفه دارند تا وجود فرزندشان را از کبر و ظلم دورنگه داشته و او را از راه تربیت عقلانی که همان رعایت عدل و اعتدال در هر زمینه از زندگی می باشد و با دستورات معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، حفظ کنند. این تربیت یعنی راهنمایی فرزند به سوی عبودیت تا اینکه این عبودیت به معرفت ختم شود؛ در تفکر از اندیشه های معصومین علیهم السلام کمک گرفته و در عمل از آن ها تقلید کنید، زیرا شخصیت فرزند با رفتارها و گفتارهای معصومین علیهم السلام درهم آمیخته شده و والدین با محبت و عنایتی که به ایشان داشتند احساسات خوب خویش را نسبت به معصومین علیهم السلام نیز به فرزندانشان انتقال داده اند؛ یعنی سعی می کند تا اعمال و رفتارشان مطابق خواست و رفتار آن ها باشد، زیرا رضای خدا در رضای آن هاست.

### منابع و مآخذ:

- ابراهیمی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۶)، اصول و مفاهیم روان شناسی و علوم رفتاری، کرمان: انتشارات ودیعت.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی و نجاح الساعی، محقق احمد موحدی قمی، بی جا: دارالکتب الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۷)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات انجمن اولیا.
- بوستان (نجفی) (۱۳۹۰)، حسین، جامعه شناسی خانواده با نگاه به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۶)، تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۲)، وصیت نامه الهی سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تهران: علمی و فرهنگی.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۹-۱۱۳۷)، لغت‌نامه، تهران: سازمان، لغت‌نامه.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۰)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زاهده، مرتضی (۱۳۸۵)، نظریه تربیتی اسلام، تهران: صابر.
- شرقی، محمدرضا (۱۳۷۸)، فلسفه تربیتی اسلام با رویکرد تطبیقی، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۷۸.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بی‌جا، مکتب مصطفوی.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۶)، مسئولیت و سازندگی، قم: لیلۃ القدر.
- عرسان کیلانی، ماجد (۱۳۸۹)، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاردان، علی محمد و دیگران (۱۳۷۲)، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت).
- کریم‌خانی، حمزه (۱۳۸۹)، اخلاق خانوادگی عارفان، قم: عطر یاس.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۹)، کافی، قم: دارالحدیث.
- مرویان حسینی، محمود (۱۳۸۲)، نیازهای انسان (از منظر آموزه‌های دینی و روانشناسی)، مشهد: به نشر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، تکامل اجتماعی انسان، تهران: صدرا.
- معاونت پژوهشی گروه روانشناسی (۱۳۸۶)، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- موسوی، جمال‌الدین (۱۳۸۰)، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۸۷)، معراج السعاده، مشهد: هاتف.
- وطن‌دوست، رضا (۱۳۹۰)، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

